امام شناسی در محضر حضرت امام علی بن موسی الرضاعليه‌السلام ـ اصغر غلامی
فصلنامه تخصّصي مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دهم، شماره ۳۹ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۰ ـ ۳۷

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

امام شناسی در محضر حضرت امام علی بن موسی الرضاعليه‌السلام

اصغر غلامی*

چکیده: در این گفتار، مطالبی از امام رضاعليه‌السلام تحلیل می‌شود در این زمینه که: امامت منصبی الهی است و اختلاف مردم درباره جایگاه آن، ناشی از جهلی است که به اندیشه بشری متکی است. خداوند با انتصاب امام در غدیر خم دین کاملی را به مردم عرضه کرد. شأن امام واجب الاطاعة بودن است که مستلزم عصمت می‌باشد و مردم قدرت تشخیص و شناخت فرد معصوم را ندارند. مقام امامت حضرت ابراهیم بعد از نبوت ایشان برتری مقام امامت به عنوان جانشینی خداوند در زمین را نشان می‌دهد. امام در امور دینی و دنیایی مردم نقش هدایت‌گری دارد و همچون خورشید نورانی، سرچشمه هدایت و نجات‌بخشی از تباهی و گمراهی است. امام، امین و حجت خدا بر خلق، خلیفه در بلاد، دعوت کننده به سوی خدا، معصوم، خزانه دار علم الهی، و با حلم و بردباری مایه انسجام دین و عزت مسلمین است. مهمترین عامل مخالفت با امامت الهی، حسادت و فریب شیطان معرفی شده که عاقبت آن، آتش دوزخ خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: امامت / عصمت / شناخت امام / امام- ویژگی‌ها / حکم عقل / جهل / مخالفت با امام / امام رضاعليه‌السلام- احادیث مربوط به امامت.

---

*. دانشجوی دوره دکتری کلام امامیه، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

مقدمه

مرحوم کلینی در کتاب الحجه از *کافی* شریف، بابی با عنوان "باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته" گشوده و در این باب، دو حدیث آورده است. حدیث اول کلمات حضرت امام رضا علیه السلام در جمع اصحاب است که در بدو ورود به مرو بیان فرموده‌اند. این حدیث، طولانی و حاوی نکات دقیق و عمیق بسیاری دربارهٔ امام شناسی است که شرح و بسط آن بدون اغراق نیازمند تألیف کتابی مستقل و بزرگ است. اما در این گفتار، مروری اجمالی بر آن داریم و نکاتی در حاشیه و توضیح آن بیان می‌شود.

کلام سراسر نور حضرت امام رضا علیه السلام را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد. آن حضرت در ابتدا بیان می‌دارد که گزینش امام از سوی مردم در برابر معرفی امام الهی از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر جهالت است قوای ادراکی بشر از دسترسی به حقیقت، امامت کوتاه است. بخش دوم حدیث شریف، دلائل متعدد بر این مدعا ارائه می‌کند، از جمله عظمت مقام امامت و اختصاص آن به معصوم، نقش و جایگاه امام در امور دینی و دنیایی مردم، ابعاد وجودی امام و ویژگی‌های خاص امام الهی.

امام رضا علیه السلام با تبیین این دلائل، بر اختصاصی و الهی بودن مقام امامت و ویژگی‌های امام تأکید می‌کنند و بر ناممکن بودن شناخت و انتخاب امام از سوی مردم استدلال فرموده‌اند.

در بخش دیگری از سخنان امام رضا علیه السلام به آثار سوء رویگردانی از گزینش الهی و روی آوردن به آراء فریبنده‌ی بشری در انتخاب امام اشاره شده است. حضرت امام

رضاعليه‌السلام در بخش چهارم از کلام نورانی خویش پس از اثبات مدعا و بیان آثار سوء تخلف از آن، مجدداً بر نفی حق انتخاب امام از سوی مردم تأکید فرموده‌اند.

بخش پایانی‌این حدیث نورانی را می‌توان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کل فرمایشات حضرت علی بن موسی الرضاعليه‌السلام شمرد.

۱- جهل، عامل اصلی عدم معرفت امام

حضرت امام رضاعليه‌السلام مهمترین عامل اختلاف دربارهٔ امامت را جهل قوم معرفی می‌کند. براساس کلام آن حضرت، سبب این جهل قوم، اتکا به اندیشه‌ها و آراء خودشان است که به تعبیر ایشان، اختلاف کنندگان در امر امامت فریب آراء خود را خورده‌اند. عبدالعزیز بن مسلم می‌گوید:

> کنا مع الرضاعليه‌السلام بمرو، فاجتمعنا فی الجامع یوم الجمعة فی بدء مقدمنا، فأداروا أمر الامامة و ذکروا کثرة اختلاف الناس فیها. فدخلت علی سیدیعليه‌السلام، فأعلمته خوض الناس فیه، فتبسمعليه‌السلام، ثم قال: یا عبدالعزیز! جهل القوم و خدعوا عن آرائهم
>
> ما به همراه امام رضاعليه‌السلام در مرو بودیم که روز جمعه در آغاز ورودمان به این شهر، در مسجد جامع آن جمع شدیم. بحث امامت را مطرح ساختند و کثرت اختلاف مردم دربارهٔ آن را یادآور شدند. من بر آقای خویش (حضرت امام رضاعليه‌السلام) داخل شدم و ایشان را از فرو رفتن مردم دراین بحث خبر دادم. آن حضرت تبسم کردند، سپس فرمودند: ای عبدالعزیز! قوم دچار جهل شده و فریب آراء خود را خورده‌اند.

جهل در احادیث دو کاربرد دارد، گاهی در مقابل عقل و گاه در مقابل علم به کار می‌رود. به عنوان مثال در حدیث شریفی که لشکریان عقل و جهل معرفی شده‌اند، جهل

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

در مقابل عقل به کار رفته است. در همان حدیث شریف، جهل به عنوان یکی از لشکریان جهل، در مقابل علم به عنوان یکی از لشکریان عقل معرفی شده است (ر.ک: *کافی* ۱/ ۲۱-۲۳ ، *خصال*، ص ۵۸۹-۵۹۱ ، *علل الشرایع*، ص ۱۱۳-۱۱۵). بر این اساس جهلی که در مقابل علم قرار دارد، غیر از جهل در مقابل عقل و از لشکریان آن است.

البته جهل گاهی به معنای بی اطلاعی و ناآگاهی و گاه به معنای عدم پای بندی به لوازم معرفت به کار می‌رود، چنان که در عرف و نیز عرف فارسی زبان‌ها هم چنین است. به عنوان مثال، در عرف، هم به کسی که از روی ناآگاهی نسبت به مضرات سیگار، اقدام به استعمال آن می‌کند، نادان گفته می‌شود و هم به کسی که با آگاهی از این مطلب سیگار می‌کشد. اطلاق نادان در مورد نخست، به معنای ناآگاهی است و در مورد دوم، به معنای پای بند نبودن به لوازم دانش.

به نظر می‌رسد جهلی که حضرت امام رضا علیه السلام به قوم نسبت می‌دهند، جهل در برابر عقل و به معنای عدم پای‌بندی به لوازم درک عقل است. عقل سلیم به روشنی حکم می‌کند که امامت منصبی الهی و شناخت آن خارج از حیطهٔ درک اوست، لذا نظریه‌پردازی در این باره، مخالفت با حکم عقل و پای‌بند نبودن به لوازم درک عقل است. بدین روی امام رضا علیه السلام نظریه‌پردازی و اختلاف قوم دربارهٔ امامت را جهل قومی می‌دانند که فریب آراء خود را خورده‌اند.

۲- معرفی امام الهی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

دیدیم که حضرت امام رضا علیه السلام علت اختلاف مردم دربارهٔ امامت را جهل ناشی از اتکاء به اندیشه خودشان معرفی فرمودند. آنگاه بلافاصله تعیین امام از سوی خداوند و معرفی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

امام الهی توسط پیامبر اکرمﷺ را یادآور شدند، این امر را کمال دین شمردند و تأکید کردند که هرکس گمان کند خدای بزرگ دینش را کامل نکرده، کتاب خدا را ردّ کرده و کافر است. امام رضاؑ می‌فرمایند:

انّ الله عزوجل لم یقبض نبیه ﷺ حتی اکمل له الدین و انزل علیه القرآن، فیه تبیان کل شیء، بیّن فیه الحلال و الحرام و الحدود و الاحکام و جمیع ما یحتاج الیه الناس کله. فقال عزوجل: (ما فرطنا فی الکتاب من شیء). و انزل فی حجة الوداع، و هی آخر عمرهﷺ: (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا). و امر الامامة من تمام الدین و لم یمض ﷺ حتی بیّن لأمتّه معالم دینهم، و اوضح لهم سبیلهم، و ترکهم علی قصد سبیل الحق، و اقام لهم علیا علیه السلام علَماً و اماماً. و ما ترک لهم شیئا یحتاج الیه الأمّة الّا بیّنه. فمن زعم أنّ الله عزوجلّ لم یکمل دینه، فقد ردّ کتاب الله. و من ردّ کتاب الله، فهو کافر به.

به راستی خدای عزوجل جان پیامبرش را نگرفت تا این که دین را برای او کامل ساخت، و قرآن را برای او نازل فرمود که در آن بیان هر چیزی هست. و در آن، حلال و حرام و حدود و احکام و همه آنچه را که مردم بدان نیازمندند، به صورت کامل بیان کرد و فرمود: "ما در این کتاب از هیچ چیزی فرو گذار نکردیم". و در حجة الواداع – که در آخر عمر پیامبرﷺ بود – نازل فرمود: "امروز دین شما را برای شما کامل ساختم و نعمت‌ام را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم". و امر امامت از تمام دین است. و پیامبر از دنیا نرفت تا اینکه همهٔ معالم دین امت را برای آنان بیان کرد، راهشان را روشن ساخت، آنها را بر جادهٔ حق واداشت و علیؑ را به عنوان پیشوا و امام آنان قرار داد. و از هیچ چیزی که امت بدان نیازمندند، صرف نظر نکرد مگر اینکه آن را بیان فرمود. پس هر کس

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

گمان کند که خدای عزوجل دین خود را کامل نساخته، در حقیقت کتاب خدا را رد کرده و هر کس کتاب خدا را رد کند، به او کافر است.

حضرت امام رضا علیه‌السلام تأکید می‌فرمایند که خداوند، دین را برای پیامبر کامل ساخت و قرآن را – که در آن همه چیز بیان شده– برای او فرو فرستاده و در نتیجه هر آنچه را که مردم بدان نیازمند هستند، به صورت کامل به پیامبرش عطا فرمود.

می‌دانیم که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در طول حیات شریف خود، به دلیل محدودیت‌های فراوان موجود، نتوانست همهٔ معارف دین و علوم قرآن را به همهٔ امت خویش تعلیم دهد. امّا خداوند دین خود را برای آن حضرت کامل ساخت و بیان هر چیزی را با قرآن برای آن حضرت فرو فرستاد. البته دست مردم از فراگیری همهٔ آنچه بدان نیازمندند، کوتاه ماند و علم قرآن نیز نزد آنان نبود تا با بهره‌گیری از آن همهٔ معالم دینشان را دریابند. لذا خداوند برای کامل ساختن دین مردم و اتمام نعمت بر آنان، مقام امامت را قرار داد تا امام الهی، دین کامل را از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرا گیرد و با عالم شدن به جمیع علوم قرآن، راه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را در بیان حلال و حرام و حدود و احکام ادامه دهد، و آنچه را مردم بدان نیازمندند – از معالم دینشان – به آنها بیاموزد و آنان را به راه حق رهنمون گردد.

به همین جهت امام رضا علیه‌السلام تاکید می‌فرمایند که امر امامت از تمام دین است. و زمانی که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام از سوی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به عنوان امام الهی معرفی شد، دین کامل به مردم ابلاغ شد. پس هر کس بر این باور باشد که خداوند دین خود را کامل نساخته، در حقیقت کتاب خداوند را رد کرده و کافر شده است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

۳- کوتاهی قوای ادراکی بشر، از دسترسی به حقیقت امامت

عقل سلیم به روشنی حکم می‌کند که شناخت حقیقت امامت، خارج از حیطهٔ ادراک بشر است. لذا نظریه‌پردازی دربارهٔ امامت و قائل شدن حق انتخاب امام برای مردم، مخالفت با حکم عقل است. حضرت امام رضا علیه‌السلام بعد از یادآوری تعیین امام از سوی خداوند، به بیان ضرورت این کار می‌پردازند. آن حضرت می‌فرمایند:

> هل یعرفون قدر الامامة و محلّها من الامة، فیجوز فیها اختیارهم؟! ان الامامة اجلّ قدرا و اعظم شأنا و اعلی مکانا و امنع جانبا و ابعد غورا من أن یبلغها الناس بعقولهم أوینالوها بآرائهم او یقیموا اماما باختیارهم.
>
> آیا موقعیت و جایگاه امامت را در میان امت می‌دانند تا انتخاب ایشان در آن جایز باشد؟! امامت اندازه‌ای فراتر و جایگاهی سترگ‌تر و موقعیتی بالاتر و آستانی فراتر و ژرفایی فروتر از آن دارد که مردم با عقل خودشان به آن برسند، یا با رأی و نظر خود آن را درک کنند، یا به انتخاب خود امامی بگمارند.

براساس تعالیم نورانی اهل بیت علیهم‌السلام امامت به معنای وجوب طاعت و حق امر و نهی است (*بصائر الدرجات* ۵۰۹/۱ ، *مختصر البصائر* /۱۹۲، *بحار الانوار* ۱۴۲/۲۵). حق امر و نهی به طور مطلق، از آنِ خداوند است و تنها او می‌تواند چنین حقی را به دیگری عطا کند (ر ک: *مفهوم امامت در پرتوایه ابتلای حضرت ابراهیم علیه‌السلام*، *فصلنامه سفینه*، ش ۱۷، ص۱۲۰). لذا امام کسی است که که از سوی خداوند منصوب شده و اطاعتش به صورت مطلق بر بندگان واجب است (*معانی الاخبار*/ ۶۴). بر همین اساس تاکید شده که امامت عهدی از ناحیه خداوند است که به شخص معین واگذار می‌شود (*بصائر الدرجات* ۴۷۲/۱، *بحار الانوار* ۷۲/۲۳).

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

از سوی دیگر، وجوب طاعت مطلق مستلزم عصمت است، زیرا اگر امام واجب الاطاعة معصوم نباشد و صدور گناه و عروض سهو و نسیان در او جایز باشد، ممکن است – به اشتباه یا از سر فراموشی و لغزش یا به عمد – به چیزی امر کند که خدا از آن نهی فرموده، پس اطاعت امر او اطاعت امر خداوند نخواهد بود، و اطاعت از او نه تنها به طور مطلق واجب نیست بلکه جایز هم نیست (رک: *امامت*، ص ۱۰-۱۱). لذا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام امر به اطاعت از رسول و ائمه علیهم السلام را به خاطر عصمت ایشان دانسته است (*وسائل الشیعه* ۱۲۹/۲۷).

روشن است که مردم قدرت تشخیص فرد معصوم و برگزیدهٔ الهی را ندارند در نتیجه نمی‌توانند با اتکاء به اندیشه خام و فکر ناتمام خود دربارهٔ امامت نظر دهند و برای خود امام برگزینند و خداوند نیز چنین اجازه‌ای به آنان نداده است. پس هر کس براساس فکر خود دربارهٔ امامت سخن بگوید – چنان که امام رضا علیه السلام فرمودند – فریب رأی خویش را خورده و دچار جهل شده است.

۴- امامت برتر از نبوت

حضرت امام رضا علیه السلام برای تأکید بر عظمت و بلندی مقام امامت یادآور می‌شوند که پیامبر بزرگی همچون ابراهیم خلیل، با اینکه مقامی بسیار بالا نزد خداوند متعال داشت، فاقد مقام امامت بود. و هنگامی به این مقام دست یافت که به توفیق الهی، امتحانات و ابتلائات سخت و دشوار الهی را با صبر و شکیبائی پشت سر نهاد. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

ان الامامة خصّ الله عزوجل بها ابراهيم الخليل بعد النبوة والخلة، مرتبة ثالثة و فضيلة شرّفه بها و أشاد بها ذكره، فقال: "انی جاعلک للناس اماما"

امامت مقامی‌است که خدای عزوجل بعد ازاین که ابراهیم خلیل علیه‌السلام را به عنوان پیامبر و خلیل خود برگزید، او را به مرتبه امامت مخصوص گردانید. و فضیلتی بود که او را به آن مشرّف داشت و او را بدان مقام، بلند آوازه ساخت و فرمود: "بدرستی که من تو را برای مردم امام قرار دادم"

۵- اختصاص امامت به ذریه معصوم حضرت ابراهیم علیه‌السلام

براساس کلام حضرت امام رضا علیه‌السلام اهمیت و عظمت مقام امامت به قدری است که حضرت ابراهیم علیه‌السلام پس از دستیابی بدان، از فرط شادمانی، از خداوند خواست این مقام را برای برخی از افراد خاندان او نیز قرار دهد. اما خداوند با نفی امامت هر ظالمی تا روز قیامت، بر اختصاص این مقام به برگزیدگان پاک تأکید فرمود، و با جعل امامت در ذریه معصوم و برگزیده حضرت ابراهیم علیه‌السلام او را گرامی داشت. امامت همواره در ذریه ابراهیم علیه‌السلام جریان داشت و صاحبان این مقام در هر دوره‌ای از هم ارث می‌بردند، تا اینکه امامت به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید. حضرت امام رضا علیه‌السلام با استناد به آیهٔ شریفهٔ (ان اولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه و هذا النبی و الذین آمنوا و الله ولی المومنین)[1] می‌فرمایند:

فکانت له خاصّة فقلّدها صلی‌الله‌علیه‌وآله علیّا علیه‌السلام بامر الله تعالی علی رسم ما فرض الله، فصارت فی ذریّته الأصفیاء الذین آتاهم الله العلم و الایمان بقوله تعالی: (و قال الذین اوتوا العلم و

۱. *آل عمران* ٦٨: به راستی سزاوارترین مردم به ابراهیم، پیروان اویند واین پیامبر و کسانی که‌ایمان آوردند. و خداوند ولیّ مومنان است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

الایمان لقد لبثتم فی کتاب الله الی یوم البعث) (روم /۵۶) فهی فی ولد علی علیه‌السلام خاصّة الی یوم القیامة، اذ لا نبیّ بعد محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله. فمن‌این یختار هؤلاء الجهّال؟!

پس مقام امامت به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اختصاص داشت، و به دستور خدای تعالی آن را به علی علیه‌السلام واگذار ساخت، آن چنان که خدای تعالی آن را واجب کرده بود. سپس این مقام به خاندان او منتقل گردید که خداوند به ایشان علم و ایمان عطا فرموده بود، براساس این گفتهٔ خدای تعالی: "و گفتند کسانی که به آنها علم و ایمان داده شد ..." بدین روی امامت تا روز قیامت، به طور خاصّ در فرزندان علی علیه‌السلام است، چرا که بعد از محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله پیامبری نیست. این جاهلان از کجا برای خود امام برمی‌گزینند؟!

در این قسمت نیز حضرت امام رضا علیه‌السلام به لزوم عصمت امام و ضرورت معرفی امام معصوم از سوی خداوند تأکید می‌کنند و گزینش امام از سوی مردم را غیرممکن می‌دانند.

امام علیه‌السلام مجدداً کسانی را که فریب اندیشهٔ خود را خورده و از قبول امام برگزیدهٔ الهی سر باز زده‌اند، جاهل معرفی کرده‌اند.

۶- عظمت مقام امامت

حضرت امام رضا علیه‌السلام پیشتر فرموده بودند: قدر امامت بالاتر و جایگاه آن سترگ‌تر و موقعیتش بالاتر و اطرافش دست نیافتنی‌تر از آن است که مردم با عقل خود به آن دست یابند. در اینجا به تبیین عظمت این مقام می‌پردازند و می‌فرمایند:

إن الامامة هی منزلة الانبیاء و ارث الاوصیاء. انّ الامامة خلافة الله و خلافة الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله، و مقام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، و میراث الحسن و الحسین علیهماالسلام

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

به راستی امامت جایگاه انبیا، و ارث اوصیاء است. به درستی که امامت، جانشینی خدا و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله، مقام امیرالمومنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است.

امام رضا علیه السلام در بیان عظمت مقام امامت، به برتر بودن این مقام از نبوت تأکید کرده و فرموده بودند: پیامبر بزرگی همچون حضرت ابراهیم نیز با اینکه نبیّ و خلیل خدا بود، و مقامی والا نزد خداوند داشت، فاقد مقام امامت بود و امامت در ظرف نبوت و رسالت به ایشان عطا شد. در این عبارت نیز امام علیه السلام امامت را مقامی شایستهٔ انبیاء معرفی می‌کنند و یادآور می‌شوند که این مقام جانشینی خداوند و رسول الله در زمین است که تنها امیرالمؤمنین و اولاد معصوم ایشان علیهم السلام شایستگی این مقام را دارند.

۷- نقش امامت در امور دینی و دنیایی مردم

امام رضا علیه السلام در ادامه، به بیان اهمیت و نقش امامت در امور دینی و دنیایی مردم پرداخته می‌فرمایند:

ان الامامة زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عزّ المؤمنین. انّ الامامة اسّ الاسلام النامی‌و فرعه السامی.

به راستی امامت، زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مومنین است، امامت ریشهٔ بالنده اسلام و شاخه بلند آن است.

آن حضرت در ادامه کلام، امام را سبب شایسته فرائض دینی همچون نماز، زکات، روزه، حج و جهاد معرفی می‌کنند. نیز امام را مایهٔ فراوانی فیء و صدقات و عامل اجرای حدود و احکام و حفاظت از مرزها و نواحی اسلام می‌دانند و می‌فرمایند:

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

الامام یحلّ حلال الله و یحرّم حرام الله و یقیم حدود الله و یذبّ عن دین الله، و یدعو الی سبیل ربه بالحکمة و الموعظة الحسنة و الحجة البالغة.

امام حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌داند، حدود خداوند را بر پا می‌دارد، از دین خدا دفاع می‌کند و با حکمت و پند نیکو و دلیل رسا به راه پرودگار خویش می‌خواند.

۸- ابعاد وجودی امام

امام رضا علیه‌السلام امام را همچون خورشید فروزانی معرفی می‌کند که به نور خویش جهان را نورانی می‌سازد. در حالی که خود او در افقی دور دست قرار دارد، به گونه‌ای که دست‌ها و چشم‌ها به او نمی‌رسند. براساس کلام آن حضرت، امام، ماه تابنده، چراغ فروزنده، نور پرتو افکن و ستاره هدایتگر در تاریکی شب‌ها و سرگردانی شهرها و بیابان‌ها و گرداب دریاهاست. امام آب گوارایی برای تشنگی، راهنما برای هدایت و نجات بخش از تباهی است. امام آتشی بر تیه و گرما بخشی برای کسانی است که به دور او گرد آمده‌اند و در دره‌های هلاکت راهنماست. پس هرکس از او جدا شود، هلاک می‌شود. امام ابری بارنده، بارانی شدید، آفتابی فروزنده، آسمانی سایه افکن، زمینی گسترده، چشمه‌ای جوشنده، آبگیر و باغ سرسبز است.

سرانجام امام رضا علیه‌السلام نسبت امام به مومنان را چنین بیان می‌فرمایند:

الامام الأنیس الرفیق و الوالدالشفیق و الاخ الشقیق و الأمّ البرة بالوالد الصغیر و مفزع العباد فی الداهیة الناد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

امام انیسی رفیق، پدری مهربان، برادری دلسوز و همچون مادری است که به نوزاد کوچک خویش نیکی می‌کند. و پناهگاه بندگان در هنگام ترس و پیشامدهای ناگوار است.

۹- اوصاف و ویژگی‌های امام

امام رضاعلیه‌السلام برای امام الهی اوصاف و ویژگی‌هایی را بر می‌شمارد به شرح زیر:

۹-۱. امین خدا در میان خلق و حجت خدا بر بندگان

خداوند دستورات و احکام خود را نزد ائمه به امانت سپرده تا به مردم برسانند و بدین وسیله حجت را بر بندگان تمام کنند. حجت در لغت به معنای دلیل و برهان است (*لسان العرب* ۲۲۸/۲). پس حجت خدا، باید ویژگی‌هایی داشته باشد که با وجود آن، هیچ اشکال و اعتراضی بر خدا وارد نشود و خرده‌گیری از طرف مردم ممکن نگردد (*ر.ک: امامت* /۸۸). یکی از این ویژگی‌ها، امانت دار بودن است که با عصمت تحقق می‌یابد. ویژگی دیگر، دارا بودن علمی فراتر از دانش همه خلق است. امام رضاعلیه‌السلام در ادامه به این دو ویژگی نیز اشاره می‌کنند.

۹-۲. خلیفه خدا در بلاد

خلیفه در لغت، به معنای کسی است که به دنبال دیگری می‌آید، به جای او می‌نشیند و کارهای او را انجام می‌دهد (*النهایه* ۶۹/۲، *العین* ۲۶۷/۴، *معجم مقاییس اللغة* ۲۱۰/۲). جوهری کسی را که دارای سلطنت و فرمان روایی باشد، خلیفه می‌داند (*الصحاح* ۱۳۵۶/۴). لذا به کسی که از سوی خداوند دارای سلطنت و حق امر و نهی می‌شود، خلیفه الله می‌گویند. در روایات اهل بیت‌علیهم‌السلام نیز خلافت به عنوان مقام الاهی معرفی شده است (*نهج البلاغه*، حکمت ۱۴۷، *عیون*

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

*اخبار الرضا*علیه السلام ۱۳۹/۲). منظور از خلیفة الله بودن امامان علیهم السلام این نیست که آنان در غیبت خداوند بر مسند او تکیه می‌زنند و کارهای او را انجام می‌دهند، بلکه منظور آن است که خداوند به آنها حق امر و نهی و سلطنت عطا فرموده بی آنکه مستلزم سلب و کاستی از سلطنت مطلق خود او باشد (ر.ک: *دلالت حدیث منزلت بر مقام فرض الطاعه*، *فصلنامه سفینه*، ش۱۳، ص۷۴-۷۵). خلافت الهی به این معنا نیز مستلزم علم و عصمت است، چنان که توضیح آن پیشتر گذشت.

۹-۳. دعوت کننده به سوی خدا و مدافع حرم خدا

براساس تعالیم نورانی اهل بیت علیهم السلام خداوند، معرفت خود را به همهٔ بندگان خویش عطا فرموده و آنها را به معرفت خویش مفطور ساخته است. اما بندگان در این دنیا از این معرفت غافلند. مشیّت خداوند بر این تعلق گرفته که امامان علیهم السلام را اسباب تذکار بندگان قرار دهد و بندگان با تذکر ایشان به خداوند توجه پیدا کنند. به همین جهت حضرت امام رضا علیه السلام دعوت به سوی خدا را به عنوان یکی از ویژگی‌های امام می‌شمارد.

امام رضا علیه السلام یکی دیگر از ویژگی‌های امام را صیانت و دفاع از حرم خداوند می‌داند. شاید مراد از حرم خداوند، همان دین الهی باشد. بدیهی است یکی از وظایف مهم پیامبران، ابلاغ دستورات و معارف الهی و حفظ و صیانت از آن است. این وظیفه بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر دوش امامان معصوم علیهم السلام نهاده شده است (ر.ک: *امامت* /۴۸-۵۲).

۹-۴. پاکی از گناهان و مبرا بودن از عیوب (عصمت)

ویژگی‌هایی همچون امین و حجت و خلیفه خدا بودن و دعوت به دین الهی و دفاع از آن، همگی مستلزم عصمت امام و دوری او از گناه و سهو و نسیان و خطا هستند. بر همین اساس امام رضا علیه‌السلام بر معصوم بودن امام الهی یعنی یعنی پاکی او از گناهان و مبرا بودنش از هر عیبی تأکید می‌فرمایند.

عصمت در لغت به معنای حفظ و منع است (*لسان العرب* ۴۰۳/۱۲). و معصوم کسی است که به واسطهٔ خدا از همه محارم الهی امتناع می‌کند (*معانی الاخبار*/ ۱۳۲). به عبارت دیگر، معصوم مورد تائید خداوند و مصون از خطاها و لغزش‌ها و انحراف‌ها است (*کافی* ۲۰۳/۱، *غیبت نعمانی*/ ۲۲۱). البته اختیار دارد و بر انجام گناه و خطا قدرت دارد، اما هرگز دچار گناه و اشتباه نمی‌شود.

۹-۵. اختصاص علم به امام

از آنجا که امام حجت بر خلق است، باید علم او فراتر از همه خلق باشد تا در پاسخ هیچ مساله‌ای در نماند. و چون مبین و مدافع دین الهی است، باید از همه به دین داناتر باشد (*بحارالانوار* ۳۹۰/۶۵). همچنین لازمهٔ عصمت، بهره‌مندی از علمی است که امام به واسطهٔ آن کُنه وجودی هر چیز و تمام آثار و پیامدهای آن را به عیان مشاهده کند و با آگاهی کامل از قبح گناه و پیامدهای آن به سوی گناه نرود. لذا امام در روایات، عالِمی معرفی شده که جهل در او راه ندارد و خداوند از علم مخزون خویش چیزی به ایشان عطا کرده که به دیگران نداده است. پس علم امامان علیهم‌السلام فراتر از دانش همگان است؛ خداوند چشمه‌های حکمت را در قلب امام جاری می‌سازد و علم را به او الهام می‌کند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

لذا او در جواب هیچ سؤالی فرو نماند و از راه درست در حیرت نمی‌افتد (*کافی* ۲۰۱/۱-۲۰۲، *احتجاج* ۴۳۶/۲).

۹-۶. موسوم به حلم

خداوند امر تربیت و هدایت بندگانش را به امام سپرده و این کار، نیازمند بردباری مافوق تصور بشر عادی است. لذا امام باید حلم و بردباری متناسب با این امر را داشته باشد و خداوند با اعطای علم فراوان و معصوم به امام، او را به این درجه از حلم نیز رسانده است. در نتیجه امام الهی موسوم به حلم است.

۹-۷. نظام دین و عزت مسلمین

افراد جامعه همچون دانه‌های تسبیح هستند که اگر کسی در رأس امورشان نباشد، اجتماعشان از هم خواهد پاشید (*نهج البلاغه*، خطبه ۱۴۶). در جامعهٔ دینی امام همچون نخ تسبیحی است که مومنان را به هم می‌آورد و موجب انتظام دین می‌گردد (*بحارالانوار* ۱۰۷/۶). در جامعه دینی باید همهٔ افراد در محدودهٔ شریعت عمل کنند و از آن فراتر نروند، زیرا تجاوز ازاین حدود، موجب تباهی دین و جامعهٔ دینی است. عمل در محدودهٔ دین نیز ممکن نیست، مگر اینکه خداوند شخصی امین بر بندگان خویش نصب کند تا آنها را در امور مباح نگه دارد و از تجاوز و داخل شدن محرمات باز دارد. در صورت عدم نصب چنین شخصی، هیچ کس از منفعت خویش دست بر نمی‌دارد، حتی اگر موجب تباهی دیگران شود. لذا خداوند امام را به عنوان قیّمی بر بندگان قرار داده تا آنها را از تباهی باز دارد و احکام الهی را در بیان آنها اقامه کند (*عیون اخبار الرضا*ﷺ ۹۹/۲-۱۰۰). گرد آمدن به دور امام الهی که موجب انتظام دین خداست، به طور قطع عزت دینداران را به دنبال می‌آورد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

۹-۸. مایهٔ خشم منافقان و هلاکت کافران

نظام دین و عزت مسلمین برای منافقان ناخوشایند است، لذا امام الهی مایهٔ خشم منافقان است. چنان که متدینان به گرد او جمع شوند و جامعهٔ دینی نظام و اقتدار یابد، کافران معاند نیز در صورت عدم تسلیم در برابر این جامعه هلاک خواهند شد.

حضرت امام رضا علیه السلام همهٔ ویژگی‌های یاد شده را در دو سطر چنین بیان فرموده‌اند:

> الامام امین الله فی خلقه، و حجته علی عباده، و خلیفته فی بلاده، و الداعی الی الله، و الذابّ عن حرم الله. الامام المطهّر من الذنوب و المبرأ من العیوب، المخصوص بالعلم، الموسوم بالحلم. نظام الدین و عزّ المسلمین و غیظ المنافقین و بوار الکافرین.

امام، امین خدا در میان خلق او، حجّت خدا بر بندگانش، خلیفه او در بلاد، دعوت کننده به سوی خداوند، و مدافع حرم الهی است. امام از گناهان پاک و از عیوب مبرّاست، علم به او اختصاص دارد و مرسوم به حلم است. نظام دین و عزت مسلمین و سبب خشم منافقان و هلاکت کافران است.

۱۰- اختصاصی و الهی بودن مقام امامت و ویژگی‌های امام

براساس آنچه گذشت، امامت منصبی الهی است و خداوند به امام ویژگی‌هایی عطا فرموده که فراتر از حد درک بشر عادی است (ر.ک: *منصب امامت مقامی‌بشری یا فرا بشری*، *مجله کلام اسلامی*، ش ۷۳، صص ۸۶-۱۱۲). پس هرگز نمی‌توان او را با انسان‌های معمولی مقایسه کرد.

حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

> الامام واحد دهره، لا یدانیه احد، ولا یعادله عالم و لا یوجد منه بدل و لا له مثل و نظیر، مخصوص بالفضل کله من غیر طلب منه له و لا اکتساب، بل اختصاص من المفضّل الوهاب.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

امام یگانهٔ روزگار خویش است، احدی با او برابر نیست، عالمی با او برابری نمی‌کند، بدلی از او یافت نمی‌شود و مثل و نظیری ندارد. خداوند همهٔ فضیلت را به او اختصاص داده است، بدون اینکه درخواستی از سوی امام برای آن باشد و بدون تحصیل، بلکه از ناحیهٔ (خدای) فضیلت بخش عطا کننده بدان اختصاص یافته است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

۱۱- ناممکن بودن شناخت و انتخاب امام برای مردم

امام رضا علیه السلام بیان می‌کند که امام از سوی خدا تعیین و توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شده است. نیز جایگاه بلند و عظمت مقام امامت را توضیح می‌دهد، نقش امامت در امور دینی و دنیایی مردم، ابعاد وجودی و اوصاف و ویژگی‌های امام را تشریح می‌کند، بر اختصاصی و الهی بودن مقام امامت و ویژگی‌های امام تأکید می‌کند. آنگاه روشن می‌سازند که چرا نظریه‌پردازی و اختلاف دربارهٔ امامت را نشانهٔ جهل قوم معرفی کرده و قوای ادراکی بشر را از دسترسی به حقیقت این مقام کوتاه دانسته‌اند. آن حضرت پس از اثبات این ادعا با دلایل روشن و محکم، مجددا بر آن تأکید می‌کنند و می‌فرمایند:

فمن ذا الذی یبلغ معرفة الامام او یمکنه اختیاره؟ هیهات، هیهات، ضلّت العقول، و تاهت العلوم، و حارت الالباب، و خسئت العیون، و تصاغرت العظماء، و تحیرت الحکماء، و تقاصرت الحکماء، و حصرت الخطباء، و جهلت الألباء، و کلّت الشعراء، و عجزت الأدباء و عییت البلغاء عن وصف شأن من شأنه أو فضیلة من فضائله، و أقرّت بالعجز و التقصیر. و کیف یوصف بکله أو ینعت بکنهه او یفهم شیء من امره أو یوجد من یقوم مقامه و یغنی غناه، لا، کیف و أنی؟ و هو بحیث النجم من ید المتناولین و وصف الواصفین. فأین الاختیار من هذا؟ واین العقول عن هذا؟ واین یوجد مثل هذا؟

پس چه کسی است که به شناخت امام برسد و انتخاب امام برای او ممکن باشد؟ هیهات هیهات. خردها گم، خاطره‌ها در حیرت، مغزها سرگردان، چشمها بی‌فروغ، بزرگان‌کوچک، حکیمان در حیرت، خردورزان ناتوان، خطیبان در تنگنا، هوشمندان نادان، شاعران گنگ، ادیبان درمانده، سخن‌دانان بی‌زبانند از وصف شأنی از شؤون امام یا بیان فضیلتی از فضائل او؛ و همگی به ناتوانی و کوتاهی معترفند. چگونه می‌توان همهٔ ویژگی‌های امام را توصیف کرد یا به وصف کنه او رسید یا چیزی از امر او را فهمید یا کسی را که در آن مقام قرار می‌گیرد، یافت و حاجت مربوط به او را برآورده ساخت؟ نه. چگونه و از کجا چنین چیزی ممکن است؟ در حالی که او همچون ستاره‌ای دور از دسترس دست‌اندازان و توصیف وصف‌کنندگان است. پس اختیار بشر کجا به این پایه می‌رسد؟ و جایگاه عقل دراین امر کجاست؟ و چنین امامی از کجا یافت می‌شود؟

۱۲- آثار سوء رویگردانی از گزینش الهی و اتکا بر آراء فریبنده

حضرت امام رضا علیه‌السلام پیشتر با استناد به قرآن، تأکید فرموده بودند که امامت به ذریه معصوم حضرت ابراهیم علیه‌السلام اختصاص دارد، این مقام در نسل ایشان تا حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله جریان دارد؛ و به امیرالمؤمنین و فرزندان معصوم ایشان علیهم‌السلام انتقال یافته است. در اینجا امکان گزینش امام از سوی مردم را به صراحت ردّ می‌کند، چرا که امامت الهی در خاندان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار دارد. امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

أتظنّون أنّ ذلک یوجد فی غیر آل الرسول محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله؟

آیا گمان برید که آن مقام در غیر آل رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله یافت می‌شود؟

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

آن حضرت با نفی امامت غیر آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم، پیامدها و آثار سوء رویگردانی از گزینش الهی و تن ندادن به ولایت امامان الهی علیهم السلام را یاد می‌کند، و می‌فرمایند:

کذبتهم و الله انفسهم و منتّهم الأباطیل، فارتقوا مرتقی صعبا دحضا تزلّ عنه الی الحضیض اقدامهم، راموا اقامة الامام بعقول حائرة بائرة ناقصة و آراء مضلة، فلم یزدادوا منه الّا بعداً. قاتلهم الله أنی یوفکون. و لقد راموا صعبا و قالوا افکا و ضلّوا ضلالا بعیدا و وقعوا فی الحیرة، إذا ترکوا الامام عن بصیرة.

به خدا سوگند خودشان خود را تکذیب کنند و آرزوهای باطل برند و به گردنهٔ بلند لغزنده (و پرتگاهی) قدم نهند که قدمهایشان به درهٔ پست بلغزد. خواستند با خردهای سرگردان و نارسا و ناقص و آراء گمراه کنندهٔ خویش، امامی بگمارند. پس جز دوری از مقصد بهره‌ای نبردند. خداوند آنها را بکشد! تا کی دروغ می‌گویند؟ به پرتگاه دشواری در آمدند، دروغ بافتند، سخت به گمراهی افتادند و در حیرت و سرگردانی قرار گرفتند، آنگاه که آگاهانه امام را ترک کردند.

پیشتر بیان شد که حضرت امام رضا علیه السلام جهل قوم را عامل اصلی عدم معرفت امام و اختلاف دربارهٔ امامت معرفی فرمودند. در آنجا اشاره شد که مراد از جهل، مخالفت با درک عقل است. عبارت اخیر امام علیه السلام مؤید این مطلب است که فرمودند: گرفتاری‌های قوم به آثار سوء رویگردانی از گزینش الهی، آنگاه دامنگیر آنان شد که آگاهانه امام الهی را ترک کردند. حضرت علی بن موسی علیهما السلام با استشهاد به آیهٔ شریفه (و زیّن لهم الشیطان اعمالهم فصدّهم عن السبیل و کانوا مستبصرین)[1]. عامل رویگردانی از انتخاب خدا و

۱. عنکبوت / ۲۸: شیطان کارهایشان را در برابر شان آراست و آنها را از راه به در برد با آنکه حق جلوی چشمشان بود.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

رسول صلی الله علیه و آله را فریب خوردن از شیطان دانسته‌اند. آن حضرت برای اثبات گمراهی آنان می‌فرماید:

از گزینش خدا و گزینش رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان(علیهم السلام) به انتخاب خویش روی گرداندند، در حالی که قرآن به آنها ندا می‌کند: (و ربک یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیرة سبحان الله عما یشرکون)[1] و می‌فرماید: (و ما کان لمؤمن و لا مومنة اذا قضی الله و رسوله امرا ان یکون لهم الخیرة من امرهم)[2]. امام رضا علیه السلام سپس در برابر قوم، به خاطر عدم تدبر در قرآن و تن ندادن به حکم خدا دربارهٔ امامت، آیات زیر را قرائت فرمودند: آیات ۳۶-۴۱ سوره ی قلم، آیهٔ ۸۷، سوره توبه، آیهٔ ۹۳، سوره بقره، آیهٔ ۲۴ سورهٔ محمد، آیات ۲۰-۲۳ سورهٔ انفال.

و در نهایت با استناد به آیهٔ شریفهٔ (فضل الله یوتیه من یشاء والله ذوالفضل العظیم)[3] امامت را غیراکتسابی و فضلی از سوی خداوند معرفی می‌کنند.

۱۳- تأکیدی دوباره بر نفی حق انتخاب امام از سوی مردم و ادلهٔ آن

امام رضا علیه السلام مجددا هرگونه اختیار و حق انتخاب مردم در تعیین امام را نفی می‌کنند و می‌فرمایند:

پس چگونه ممکن است مردم در انتخاب امام اختیار داشته باشند در حالی که امام:

۱. قصص/٦٨: و پروردگار تو می‌آفریند آنچه را که می‌خواهد و برمی‌گزیند. آنها را حق گزینش نیست پاک و منزه است خداوند از آنچه شرک می‌ورزند.
۲ . احزاب /٣٦ هیچ مرد و زن مومنی حق نداردکه وقتی خدا و رسول او به امری حکم کردند، اختیاری درباره ی امرشان داشته باشند.
۳. حدید/۲۱: فضل خداوند است که به هرکس بخواهد عطا می‌کند و خداوند صاحب فضل عظیم است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

۱- عالمی‌است که جهل در او راه ندارد.

۲- سرپرستی است که از بار مسئولیت شانه خالی نمی‌کند

۳- معدن قداست و پاکیزگی و نور و زهد و علم و عبادت است

۴- دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او اختصاص دارد (رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مردم را تنها به سوی او می‌خواند)

۵- از نسل حضرت مطهرهٔ بتول است

۶- در نسب او هیچ نقطهٔ تاریکی نیست

۷- هیچ صاحب شرافتی از قریش در بیت به او نزدیک نمی‌شود

۸- از کنگرهٔ رفیع هاشم است

۹- از عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است

۱۰- مورد رضایت خدای عزوجل است

۱۱- شرف اشراف است

۱۲- شاخه‌ای از عبد مناف است

۱۳- رشد دهندهٔ علم است

۱۴- حلم او کامل است

۱۵- مملو از امامت است

۱۶- عالم به سیاست است

۱۷- اطاعتش واجب است

۱۸- قیام کننده به امر خداوند است

۱۹- خیر خواه بندگان خداست

۲۰- حافظ دین الهی است

حضرت امام رضاعليه‌السلام باز هم بعد از برشمردن ویژگی‌های امام بر اختصاصی و الهی بودن علم ایشان تأکید می‌کنند و می‌فرمایند:

ان الانبیاء و الائمة صلوات الله علیهم یوفّقهم الله و یؤتیهم من مخزون علمه و حکمه ما لا یؤتیه غیرهم، فیکون علمهم فوق علم اهل الزمان.

خداوند به پیامبران و امامان صلوات الله علیهم توفیق می‌دهد و از مخزون علم و حکمت‌های خویش به آنان چیزهایی عطا می‌فرماید که به غیر ایشان نمی‌دهد، پس علم ایشان بالاتر از علم اهل زمان است.

آن حضرت سپس آیاتی را قرائت می‌فرمایند که در آنها به لزوم عالِم بودن امام هدایتگر اشاره شده و از اعطای علم به پیامبران و حجت‌های خداوند سخن به میان آمده است[1]. امام رضاعليه‌السلام همچنین یادآور می‌شوند که آیهٔ (انزل علیک الکتاب و الحکمه و عملّک ما لم تکن تعلم و کان فضل الله علیک عظیما)[2] دربارهٔ پیامبر اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده است.

۱۴- مُلک عظیم

آن حضرت همچنین فرمودند:

و قال فی الائمة من اهل بیت نبیه و عترته و ذریته صلوات الله علیهم: (ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله فقد آتینا آل ابراهیم الکتاب و الحکمة و آتیناهم ملکا عظیما فمنهم من آمن به و منهم من صدّ عنه و کفی بجهنم سعیرا).

۱. آیاتی که امام رضاعليه‌السلام قرائت فرموده‌اند، عبارتند از: آیه ی ۳۵ سوره ی یونس، ایات ۲۶۹و ۲۴۷ سوره ی بقره.
۲. نساء/۱۳۳: کتاب و حکمت را بر تو فرو فرستاد، و آنچه را نمی‌دانستی به تو تعلیم داد. و فضل خداوند بر تو سترگ است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

و دربارهٔ امامان از اهل بیت و عترت و ذریه پیامبرش صلوات الله علیهم فرمود: "آیا به مردم حسد می‌ورزند به خاطر آنچه خداوند از فضل خویش به‌ایشان عطا کرده است؟ البته ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به ایشان ملک و سلطنتی عظیم عطا کردیم، پس گروهی از مردم به آن ایمان آورده و برخی از آنان رویگردان شدند و همین بس که جهنم آتشی افروخته است".

ملک در لغت به معنای سلطنت و استیلا همراه با حق تصرف است (*مجمع البحرین* ۲۹۰/۵، *المحکم و المحیط الاعظم* ۵۴/۷). در قرآن مجید نیز ملک به معنای آمریّت و سلطنت به کار رفته است (*بقره* /۲۴۷، *زخرف* /۵۱) و احادیث ملک عظیم را امامت و فرض الطاعه معنی کرده‌اند (*بصائر الدرجات*/ ۳۵و۵۰۹، *کافی* ۲۰۶/۱، *کتاب سلیم بن قیس هلالی*/۴۲، *امالی صدوق*/۵۲۲، *تفسیر نور الثقلین* ۴۵۹/۴).

به نظر می‌رسد وصف "عظیم" بیانگر ذو مراتب بودن ملک است، یعنی صاحب ملک عظیم مرتبهٔ بالاتر استیلا را دارد. همچنین ممکن است وصف "عظیم" از آن جهت باشد که گسترهٔ ملک ائمه علیهم السلام عظیم‌تر از درک و تصور ماست (*ر.ک: بررسی مفهوم امامت در پرتوایه ی ملک عظیم، مجله سفینه*، ش۱۵، ص ۶۸-۶۹).

حضرت امام رضا علیه السلام با تصریح به نزول آیهٔ ملک عظیم دربارهٔ امامان اهل بیت علیهم السلام چند نکته مهم را بیان کرده‌اند.

اول اینکه ائمه اهل بیت علیهم السلام از نسل حضرت ابراهیم خلیل هستند و خداوند در آیهٔ امامت حضرت ابراهیم علیه السلام، ضمن نفی امامت ظالم، بر اختصاص این مقام به برگزیدگان پاک از فرزندان حضرت ابراهیم علیه السلام تأکید فرموده است.

نکته دوم اعطایی بودن مقام امامت است، چرا که خداوند در این آیه از اعطای این مقام سخن گفته است.

سومین نکته تأکید بر عظیم بودن مقام امامت است، تا آنجا که اندیشه‌های ناقص بشری از درک آن ناتوان است.

نکته چهارم اینکه مهمترین عامل مخالفت با امامت الهی اهل بیت‌علیهم‌السلام در این آیه حسادت معرفی شده است، یعنی همان عاملی که سبب عصیان متکبّرانه شیطان و رانده شدن او از درگاه الهی شد.

پنجمین و آخرین نکته نیز این که سرنوشت مخالفت کنندگان با امام الهی ورود به دوزخ است.

نتیجه‌گیری

عبارات پایانی حدیث نورانی حضرت امام رضاعلیه‌السلام را می‌توان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کل کلمات آن حضرت دراین حدیث شریف شمرد. امام رضاعلیه‌السلام در این عبارات یادآور می‌شوند که امامت الهی مستلزم خصوصیات و ویژگی‌هایی است که خداوند، پیش از اعطای این مقام به بندهٔ برگزیده خویش عطا می‌کند. مهمترین ویژگی‌ها شرح صدر، علم و حکمت و عصمت است. براساس کلام امام رضاعلیه‌السلام امام الهی با دارا شدن این ویژگی‌ها حجت خدا بر بندگانش و شاهد او بر خلق می‌شود. این مقام با چنان ویژگی‌هایی فضل خداوند متعال است که به هر که خواهد می‌دهد، اما مردم هرگز قادر به گزینش چنین فردی از میان خود نیستند و برگزیده آنها نیز به هیچ وجه از ویژگی‌های یاد شده بهره‌ای ندارد تا او را پیش بیاندازند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

به همین جهت رویگردانی از انتخاب الهی و روی آوردن به گزینش مردم، در حقیقت سرکشی و پشت سرانداختن کتاب خداوند است و سرکشان و مخالفت کنندگان با قرآن، سزاوار ذمّ و نکوهش و نگونبختی هستند.

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

ان العبد اذا اختاره الله عزوجل لامور عباده، شرح صدره لذلک، و اودع قلبه ینابیع الحکمة، و ألهمه العلم إلهاما، فلم یعی بعده بجواب و لایحیر فیه عن الصواب. فهو معصوم موید موفق مسدد، قد أمن من الخطایا و الزلل و العثار، یخصّه الله بذلک لیکون حجته البالغة علی عباده و شاهده علی خلقه. و ذلک فضل الله یوتیه، یشاء و الله ذو الفضل العظیم.

فهل یقدرون علی مثل هذا فیختارونه؟ أو یکون مختارهم بهذه الصفة فیقدمونه؟ تعدوا – و بیت الله – الحق و نبذوا کتاب الله وراء ظهورهم کانهم لا یعلمون.

و فی کتاب الله الهدی و الشفاء، فنبذوه و اتبعوا أهواءهم، فذمهم الله و مقتهم و أتعسهم، فقال جل و تعالی: (و من أضل ممن اتبع هواه بغیر هدی من الله ان الله لا یهدی القوم الظالمین)، و قال: (فتعسا لهم و أضل أعمالهم)، و قال: (کبر مقتا عندالله و عند الذین آمنوا کذلک یطبع الله علی کل قلب متکبر جبار)

و صلی الله علی النبی محمد و آله و سلم تسلیما کثیرا.

به راستی چون خدا بنده‌ای را برای اصلاح کار بندگان خود برگزیند، به او شرح صدر بخشد، در دلش چشمه‌های حکمت و فرزانگی بجوشاند، و دانش خود را از راه الهام به او آموزد که در پاسخ به هیچ پرسشی در نماند و از حق و حقیقت سرگردان نشود، زیرا از طرف خداوند معصوم است و مشمول کمک و تایید او است.

از خطا و لغزش و برخورد ناصواب در امان است، خدا او را بدین صفات اختصاص داده تا حجت بالغه بر هر کدام از خلقش باشد که او را درک کند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

این فضل الهی است که به هر که خواهد عطا کند، و خدا صاحب فضل بزرگی است. آیا بشر قادر است که چنین امامی برگزیند؟ یا منتخب آنها دارای چنین صفاتی بوده که او را پیش انداخته‌اند؟ به حقّ خانهٔ خدا که تعدّی کردند و قرآن را پشت سرانداختند، گویی که مطلب را نمی‌دانند، هدایت و شفا در کتاب خدا است که پشت بدان دادند و پیرو هوای خود شدند و خدا آنها را نکوهید و دشمن داشت و (به کیفر کردارشان) به بدختی گرفتار ساخت.

و فرمود (۵۰ سوره قصص): "کیست گمراه‌تر از آنکه پیرو هوس خویش است، بی‌رهبری از جانب خدا، به راستی خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند"

و فرمود (۳۵ سوره غافر): "بزرگ است در دشمنی نزد خدا و آنها که گرویدند، همچنان خدا بر دل هر متکبر جبارّی مُهر زند".

و صلی الله علی محمد و آله و سلم تسلیما کثیرا.

منابع

۱. نهج البلاغه

۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهایة فی غریب الحدیث والأثر*، تحقیق طاهر احمد زاوی و محمود محمد طناحی. القاهرة، داراحیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۷ق.

۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل، *المحکم والمحیط الاعظم*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.

۴. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغه*، تصحیح عبدالسلام محمدهارون، القاهره، مکتبة مصطفی البابی الحلبی واولاده، ۱۳۸۶ ق.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۸ ق.پ.

۶. بیابانی اسکوئی، محمد، *امامت*. تهران، نبأ، ۱۳۹۰ش.

۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، تحقیق احمد بن عبدالغفور عطار، مصر، درالکتب العربی.

۸. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة*، تهران، مکتبهٔ الاسلامیة، ۱۳۹۵ق.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]

۹. حلی، الحسن بن سلیمان، *مختصر البصائر*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۱.
۱۰. الحویزی، عبد علی بن جمعة، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق السیدهاشم الرسولی المحلاتی، قم، موسسه اسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۲ـ۱۳۷۰ ش.
۱۱. صدوق، محمد بن علی، *الامالی*، قم، مرکز الطباعة و النشر فی موسسة البعثة، ۱۴۱۷ق.
۱۲ ـــــــــــ، *علل الشرایع*، تحقیق سیدمحمد صادق بحرالعلوم، نجف، منشورات المکتبة الحیدریة ومطبعتها، ۱۳۸۵ـ۱۹۶۶م.
۱۳. ـــــــــــ، *عیون اخبار الرضا*ﷺ، تحقیق حسین الأعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ـ۱۹۸۴ م.
۱۴. ـــــــــــ، *معانی الاخبار*، تهران، مکتبة الصدوق، قم، مؤسسة دارالعلم، ۱۳۷۹ق.
۱۵. ـــــــــــ، *الخصال*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. صفار، محمد بن الحسن بن فروخ، ***بصائر الدرجات***، تبریز، شرکت چاپ کتاب تبریز، ۱۳۸۱ ق.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، تحقیق السیدمحمدباقر الخراسان، نجف، دارالنعمان للطباعة والنشر، ۱۳۸۶ـ۱۹۶۶ م.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران، المکتبة المرتضویه.
۱۹. غلامی، اصغر، *مفهوم امامت در پرتو آیه ابتلای حضرت ابراهیم*ﷺ، فصلنامه سفینه، سال پنجم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۶، ۱۱۵ـ۱۳۹.
۲۰. ـــــــــــ ، *دلالت حدیث منزلت بر مقام فرض الطاعه*، فصلنامه سفینه، سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۵، ۶۷ـ۹۱.
۲۱. ـــــــــــ ، *بررسی مفهوم امامت در پرتو آیه ملک عظیم*، فصلنامه سفینه، سال چهارم، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۸۶، ۶۶ـ۹۱.
۲۲. ـــــــــــ ، *منصب امامت مقامی بشری یا فرابشری*، مجله تخصصی کلام اسلامی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، بهار ۱۳۸۹، ۸۶ـ۱۱۲.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، قم، دارالهجره، ۱۴۰۵ ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الاصول من الکافی* ، تهران، مؤسسه دارالکتب الاسلامیة.
۲۵. مجلسی، محمد باقر ، *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، تحقیق علی اکبر الغفاری، تهران، مکتبة الصدوق.
۲۷. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق محمدباقر الانصاری الزنجانی الخوئینی، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۵ـ۱۳۷۳

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.7.1]